

## طراحی الگوی یادگیری خلاق بر مبنای هرمونیک مدرن با تأکید بر آرای مارتین هایدگر

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۰۱ - تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۰۴

### خلاصه

**مقدمه:** با گسترش رشته‌های تخصصی در مراکز آکادمیک جهان، هرمونیک از محدوده تفسیر متون دینی خارج شد و به عرصه علوم مختلفی هم‌چون تعلیم و تربیت قدم گذاشت و موجب پیدایش شیوه‌های نوین یادگیری شد؛ آموزش و یادگیری مبتنی بر خلاقیت به عنوان یکی از محورهای اساسی نظام‌های آموزشی است که از آرای هرمونیک هایدگر استنتاج می‌شود. این مقاله در صدد طراحی الگوی یادگیری خلاق بر مبنای هرمونیک مدرن با تأکید بر آرای مارتین هایدگر می‌باشد.

**روش کار:** این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی و روش آن تحلیل مفهومی است و جهت طراحی الگوی یادگیری خلاق با تأکید بر هرمونیک مدرن هایدگر از روش "استنتاجی از نوع قیاس عملی" استفاده شده است.

**نتایج:** اهداف یادگیری خلاق: ایجاد علاقه به تعلیم و تربیت در فراگیر، تهیه برنامه‌های تربیتی ایجاد علایق علمی در فراگیر و ایجاد فهم متقابل بین مربی و متربی می‌باشند که بر اساس آن فرایند یادگیری خلاقانه به گونه‌ای است که در ابتدا باید روی یک مسأله به توافق رسیده و مورد نقد و انتقاد قرار داد تا کیفیت فهم در فراگیر ایجاد شود. عناصر الگوی یادگیری خلاق: بهبود روش‌های تدریس (از طریق؛ تدریس مبتنی بر پرسشگری، تدریس مبتنی بر دوری بودن، تدریس مبتنی بر یادگیری دل مشغولانه در فراگیر) منجر به بهبود روش‌های یادگیری (از طریق؛ مهیا کردن شرایط یادگیری، درگیر شدن عملی در دنیای واقعی، پرورش فهم و بصیرت علمی و عملی) شده و بهبود روش‌های یادگیری به بهبود روش‌های خلاقیت (از طریق؛ انتقال مقصود از طریق زبان، تفکر، استعلا، گفتگو و شعر) می‌انجامد.

**نتیجه‌گیری:** تعلیم و تربیت از طریق پرسشگری در تعلیم و تربیت می‌تواند به بهترین نحو انجام شود. برای تشویق و ترغیب دانش‌آموزان به داشتن تفکری خلاق باید از تمثیل آن چه موجب انجام یا قالب‌گیری تفکر آن‌ها می‌شود، اجتناب کرد.

**کلمات کلیدی:** هرمونیک مدرن، یادگیری خلاق، الگو، هایدگر

لیلا احمدزاده<sup>۱</sup>

افضل السادات حسینی دهشیری<sup>۲\*</sup>

ایمان محسنی نایینی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، واحد علوم و

تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

<sup>۲</sup> دانشیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه

تهران، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

Email: Afhoseini@ut.ac.ir



## مقدمه

هرمنوتیک از قرن نوزدهم میلادی به عنوان روشی برای کسب علم به کار گرفته شد. اندیشمندانی چون ویلهلم دیلتای<sup>۱</sup>، آگوست ولف<sup>۲</sup> و فردریک اشلایرماخر<sup>۳</sup> در گسترش این روش نقش مؤثری ایفا کردند. دیلتای برخلاف پوزیتیویست‌ها<sup>۴</sup> مطالعه علمی طبیعت و جامعه‌ی انسانی را در یک مسیر قرار می‌دادند، معتقد بودند که رفتار انسان‌ها بر اساس معانی ذهنی انجام می‌شود و ذهنیت انسانی هم‌تایی در طبیعت ندارد. به باور دیلتای جهان انسانی و دنیای اجتماعی تابع اراده‌ی انسان است و توسط اراده انسان ساخته می‌شود، درحالی‌که طبیعت مستقل از اراده‌ی انسان و قواعدش از بیرون بر انسان‌ها تحمیل می‌گردد. دیلتای معتقد بود برای فهم انسان باید انسان بود، این فهم از طریق فهم همدلانه<sup>۵</sup> به دست می‌آید و متضمن فرافکنی<sup>۶</sup> خود در ذهن دیگری از طریق فهم کلام فرهنگی است. پیروان دیلتای به متن بیشتر از مؤلف اهمیت دادند، اینان معتقدند حتی متن یک مؤلف کاملاً ناشناخته را هم می‌توان فهمید. این گروه تا آن جا پیش رفتند که برای خواندن متن توسط خود مؤلف هم امتیازی قائل نشدند. از نظر آن‌ها ذهنیت خواننده مهم‌تر از ذهنیت مؤلف است (اوگالا<sup>۷</sup>؛ ۲۰۱۷، ص ۸). این شاخه از هرمنوتیک که به هرمنوتیک فلسفی<sup>۸</sup> معروف است حاصل مباحثی است که دو فیلسوف آلمانی هایدگر و گادامر در این باب مطرح ساخته‌اند (چن<sup>۹</sup>؛ ۲۰۱۷). هایدگر، هرمنوتیک قرن بیستم را به مرحله‌ی جدیدی وارد ساخت. از نظر هایدگر، این رویکرد که هرمنوتیک فلسفی نامیده می‌شود، فلسفیدن حقیقی و تأمل در باب پاسخ به پرسش از معنای هستی است، که فلسفه و متافیزیک غرب

از آن غفلت نموده و در نتیجه از مسیر خود منحرف شده است بنابراین مشخص است که هرمنوتیک از اوایل قرن بیستم از حالت مطالعه و جمع آوری قواعد تخصصی تفسیر در خدمت متکلمان خارج شده و به منزله‌ی مکتبی فلسفی و نظریه‌ای عمومی برای علوم انسانی و اجتماعی مطرح شد. امروزه، هرمنوتیک، روش تفسیر و تأویل متن برای کشف حقیقت محسوب می‌شود و به بسیاری از حوزه‌های علوم انسانی مانند فلسفه، جامعه‌شناسی، تاریخ، کلام، الهیات، روانشناسی، حقوق، زبان‌شناسی، و ادبیات و مهم‌تر از همه تعلیم و تربیت راه یافته است (اسکیارون<sup>۱۰</sup>؛ ۲۰۱۸). بر این اساس هدف تعلیم و تربیت از دیدگاه هرمنوتیک هایدگر آزادسازی فرد از واسطه‌ها و نظرات دیگران است، طوری که به طور مستقل و آزادانه به هستی و آن چه که در آن است، دست یابد، ازین رو هایدگر تعلیم و تربیت را رها شدن از وابستگی به نظرات و دیدگاه‌های دیگران و تقلید صرف می‌داند. با توجه به مطالب فوق، فلسفه تعلیم و تربیت وظیفه مهمی را در این زمینه برعهده دارد و آن همانا کمک کردن به فرد است تا مستقل از هر چه در اطراف اوست، با قدرت پرسشگری و تخیل و خلاقیت خود به درک و فهم هستی بپردازد و یادگیری او یادگیری خلاق و تفکر او تفکر خلاقانه باشد. براساس نتایج تحقیقات حسینی و محمودی (۱۳۹۵) در هرمنوتیک هایدگر، متریبی به عنوان متن اصلی در تعلیم و تربیت قرار می‌گیرد و در حوزه ارزشیابی معیارهایی را به دست می‌دهد که متریبی به صورت چند بعدی و در بطن فعالیت‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. همچنین طبق نتایج تحقیقات بهزاد (۱۳۹۵) بیدهندی (۱۳۹۵) صادقپور جهانبان (۱۳۹۴) مهدی زاده بیگدلی و میرزا محمدی (۱۳۹۷) محمدخانی غیاثوند (۱۳۹۲) ایده اصلی در هرمنوتیک فلسفی هایدگر، رساندن تربیت شونده به فهم به گونه‌ای است که وی به امکان‌های وجودیش برای هستی و در متن زیست

<sup>1</sup> - hermeneutic

<sup>2</sup> - Wilhelm Diltai

<sup>3</sup> - August Wolfe

<sup>4</sup> - Frederick Schleiermacher

<sup>5</sup> positivism

<sup>6</sup> Empathetic understanding

<sup>7</sup> Trafficking

<sup>8</sup> Bengt Kristensson Ugglä

<sup>9</sup> Philosophical hermeneutics

<sup>10</sup> [Chung-Ying Cheng](#)

جهانی که در آن زندگی می کند، برسد. معلمان نیز باید با ایجاد فضاهای باز و اعتماد متقابل هم تفکر دانش آموز را بپذیرند و هم آن را به چالش بکشند و به دانش آموز کمک نمایند که به آن چه صدای تفکر می دهد، گوش فرا دهد. این امر به معلمان و کلاس درس کمک می کند که دانش آموزانی خلاق تر و به تبع آن کلاس درسی پویاتر داشته باشند. خلاقیت در امر آموزش و تربیت دانش آموزان خلاق به تقویت تفکر خلاق و حل مساله خلاقانه دانش آموزان کمک شایانی می کند. با این روش، آشکارا از نظام تعلیم و تربیتی که چیزی جز آموزش خلاقانه در آن نیست، فاصله نمی گیرد. با توجه به مطالب فوق، تعلیم و تربیت می تواند با به کارگیری شیوه های مناسب زمینه رشد خلاقیت را در دانش آموزان فراهم کند. به عنوان مثال با ایجاد نمودن روحیه پژوهش در دانش آموزان، ایجاد انگیزه، ابتکار و تشویق دانش آموزان به فعالیت های جانبی می تواند به داشتن چنین افرادی کمک شایان ذکری بنماید. بر این اساس، مجری (۱۳۹۲) بحرینی (۱۳۹۳) سجادی و رضا نژاد جولایی (۱۳۸۷) چشم چراغ (۱۳۸۶) باقری نژاد (۱۳۸۹) خانی آرانی (۱۳۸۹) ملکی (۱۳۹۲) ابوترابی (۱۳۹۳) حسینی و محمودی (۱۳۹۳) مهدی زاده بیگدلی و میرزا محمدی (۱۳۹۴) رمضان زاده (۱۳۹۵) در پژوهش هایشان با درک لزوم بازنگری مداوم نظام تعلیم و تربیت به دلیل پیشرفت های روزافزون علمی و تحولات اجتماعی و هم چنین غریب بودن دیدگاه هرمنوتیکی، با تبیین رویکرد هرمنوتیک، ارتباط آن با آموزش و پرورش پویا و خلاق را مورد بررسی قرار داده اند. به زعم آنان هدف اصلی در هرمنوتیک فلسفی هایدگر، هستی شناسی بنیادین است که مسأله فهم هستی را موضوع اصلی خویش قرار می دهد و بر این اساس تعلیم و تربیت می تواند با تکیه بر بنیان های هرمنوتیک فلسفی هایدگر با به کارگیری شیوه های مناسب فعال و اکتشافی زمینه رشد خلاقیت<sup>۱</sup> را در دانش آموزان

فراهم کند. از دید گابورا<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۶) کاسیم (۲۰۱۳)، چابراک و کریگ<sup>۱۴</sup> (۲۰۱۷) چن<sup>۱۵</sup> (۲۰۱۶) چمبرز، شارون، هاردی و جیمز<sup>۱۶</sup> (۲۰۱۸) پاردو<sup>۱۷</sup> (۲۰۱۵) اگر آموزگاران در حد امکان، فضایی مطمئن در کلاس پدید آورند و از روش های آموزشی فعال و اکتشافی در کلاس بهره گیرند، دانش آموزان را در راستای بهره برداری از نیروی خلاق خویش یاری نموده اند. دبونو<sup>۱۸</sup> (۲۰۱۶) دریافت برای این که افراد بتوانند خلاق باشند، باید روش های درست اندیشیدن را به آنها آموخت و در این صورت همه افراد این توانایی را به دست خواهند آورد که از خود خلاقیت نشان دهند (افضل خانی و نوه ابراهیم، ۱۳۹۷). نظر به نقش خلاقیت به عنوان مهارتی حیاتی برای توسعه در قرن حاضر (هنریکسن و همکاران<sup>۱۹</sup>؛ ۲۰۱۶)، نگرانی درباره فقدان درک آن در مدارس و محدودیت برنامه های درسی در این زمینه، باعث شده که اتحادیه صنایع بریتانیا<sup>۲۰</sup> (۲۰۱۳)، مدارس را به تولیدی «آدمآهنی های غیر خلاق امتحان بده» تعبیر کند؛ مسأله ای که استرنبرگ<sup>۲۱</sup> ۴ (۱۹۸۸) و رابینسون<sup>۲۲</sup> (۲۰۱۸) دلایل آن را عدم پویایی و انعطاف سیستم آموزشی سنتی، به عنوان عاملی اصلی در سرکوب تمایل ذاتی کودکان به تفکر خلاق و واگرا مطرح کرده و برونسون و مریمان<sup>۲۳</sup> (۲۰۱۰) با تعبیر آن به «بحران خلاقیت»<sup>۲۴</sup> راه حل آن را تمرکز بر توسعه راهکارهای کار آمد پرورش خلاقیت در کودکان، به دلیل عدم سیطره قوانین و سنن اجتماعی بر تفکر آنها دانسته اند (استرنبرگ<sup>۲۴</sup>؛ ۱۹۹۹؛ به نقل از اخوندی و افهمی، ۱۳۹۷).

|                                     |   |
|-------------------------------------|---|
| 1 - Gabora                          | 3 |
| 1 Chabrak and Craig                 | 4 |
| 1 Chen                              | 5 |
| 1 Chambers, Sharon, Hardy and James |   |
| 1 Pardo                             | 7 |
| 1 Debuno                            | 8 |
| 1 Henriksen et al                   | 9 |
| 2 British Industry Union            | 0 |
| 2 Robinson                          | 1 |
| 2 Bronson and Maryaman              | 2 |
| 2 The crisis of creativity          | 3 |
| 2 Sternberg                         | 4 |

باشند، به مرور زمان مؤید این موضوع در ذهن آنها می شود که معلم از آنها دانایتر است، و پذیرش نقش دانای کل بودن معلم در ذهن دانش آموزان صورت می پذیرد و می بایست برای حل تمامی مسائل خود به او مراجعه کند و از تفکر و خلاقیت باز می ماند و فقط به عنوان مصرف کننده دانش قبول نقش کرده و برای حرکت به جایگاهی بالاتر یعنی تولید کننده دانش، ترس دارد (مهدی زاده و همکاران، ۱۳۹۷). با توجه به مطالب فوق و لزوم بازنگری مداوم نظام تعلیم و تربیتی، به دلیل پیشرفت های روزافزون علمی و تحولات اجتماعی و هم چنین غریب بودن دیدگاه هرمونیک مدرن و اهمیت این که خلاق بودن هر چه بیشتر دانش آموزان می تواند گره گشای بسیاری از مشکلات آن ها باشد، می توان گفت که مساله اصلی پژوهش بررسی دیدگاه هرمونیک مدرن هایدگری و استخراج دلالت های تربیتی آن و مشخص نمودن این موضوع است که هرمونیک هایدگری چه تأثیری بر خلاقیت دانش آموزان می تواند داشته باشد؟ بر این اساس، سؤال های پژوهش به قرار ذیل می باشد:

### سوال پژوهش

۱- ارائه الگوی رابطه بین هرمونیک مدرن و یادگیری خلاق

### سوالات جزئی

- ۱-۱ بررسی و تحلیل روش های تدریس خلاق بر مبنای آرای هرمونیک هایدگر
- ۲-۱ بررسی و تحلیل روش یادگیری بر مبنای آرای هرمونیک هایدگر
- ۳-۱ بررسی و تحلیل روش های بهبود خلاقیت بر مبنای آرای هرمونیک هایدگر

### روش کار

این تحقیق از جنس تحقیقات کیفی است. برای پاسخ به سوال تحقیق از روش تحلیل مفهوم استفاده شد زیرا به تحلیل

در این پژوهش، از آنجا که بسیاری از دستاوردها و پیشرفت های انسان ناشی از توانایی تفکر خلاق اوست، ضرورت توجه به این موضوع و فراهم نمودن زمینه های رشد و پرورش آن کاملاً آشکار است؛ مدرسه می تواند نقشی اساسی در پرورش، و یا برعکس در تخریب و نابود سازی، تفکر خلاق در جامعه داشته باشد؛ تحقیقات نشان داده است که معلمان عموماً، به سبب نداشتن شناخت نسبت به تفکر خلاق، در تشخیص دانش آموزان خلاق موفق نیستند (تورنس،<sup>۲</sup> ترجمه قاسم زاده، ۱۳۹۶). دانش آموزان خلاق را کمتر مورد توجه، تشویق و تأیید قرار می دهند (گنزلز و جکسون،<sup>۲</sup> ۲۰۱۸؛ کالاجر،<sup>۲</sup> ۱۳۹۱) نگرش مناسبی نسبت به تفکر خلاق نشان نمی دهند (حسینی، ۱۳۸۸)، و از روش های تدریس خلاق بهره نمی گیرند (کروپلی، ۲۰۱۲). به همین دلیل است که بسیاری از نظام های پیشرو در زمینه تعلیم و تربیت موضوع یادگیری زدایی را پیشنهاد می دهند؛ در این نظام ها به دانش آموزان می آموزند که چگونه از چسبندگی های ذهنی فاصله بگیرند و دنیا را بر مبنای یادگیری زدایی آغاز کنند. کودکان در این نظام ها بسیاری از یادگیری های پیشین خود را فراموش یا باز تعریف می کنند و می آموزند که یادگیری فقط با چسبیدن به داشته های گذشته هرگز حاصل نمی شود؛ بلکه باید با خلاقیت و تفکر اقدام به دوباره فهم یادگیری های گذشته بنمایم (عظیم پور، ۱۳۹۵).

شاید بتوان گفت یکی از دلایل ناتوانی کودکان در حل مسائل بر می گردد به شیوه های آموزش؛ معمولاً در بسیاری از کلاس های درس معلم نقش پررنگ تری به نسبت دانش آموزان دارد، ولی به واقع می بایست در روند یاددهی - یادگیری کودکان نقشی فعال تر ایفا کنند تا آموزش به درستی صورت پذیرد؛ اینکه معلمان زمان زیادی را صرف توضیح و تفسیر موضوعات درسی کنند و دانش آموزان به عنوان شنونده

|                      |   |
|----------------------|---|
| 2 Torrance           | 5 |
| 2 Gunzels & Jackson, | 6 |
| 2 Callagher          | 7 |

گشودگی طرفین یادگیری نسبت به تجارب جدید را یادآور می‌سازد (گودون، ۲۰۰۴، ص ۴۳)

**۲- تدریس مبتنی بر یادگیری دل مشغولانه در فراگیر**  
 عقیده‌ی محوری دیدگاه هرمنوتیکی هایدگر آن است که یادگیری فرآیندی فعال است. براساس این دیدگاه اطلاعات تحمیل می‌شود، اما فهم را نمی‌توان تحمیل نمود، زیرا فهم باید از درون فرد حاصل شود. بنابراین هرمنوتیک بر نقش فعال یادگیرنده در خلق دانش شخصی، اهمیت تجربه‌ی فردی و اجتماعی در فرایند خلق دانش و فرایند فهم صحه می‌گذارد. دانستن، ریشه در ساخت اجتماعی، فرهنگی و زبان دارد و مبتنی بر تعامل است. دیدگاه هرمنوتیکی هایدگر یادگیری را خلق معنا از تجربیات و بودن در جهان می‌داند. بنابراین معنا ایجاد کردنی یا خلق کردنی است و نه کسب کردنی و از آن جا که این معنا به تعداد افراد می‌تواند متنوع باشد، در نتیجه دست‌یابی به یک معنای از قبل تعیین شده‌ی صحیح امکان نخواهد داشت. فرد و عوامل محیطی و تعامل بین آن‌ها بر شکل‌گیری دانش مؤثرند، یادگیری باید در زمینه‌ی خاص با موقعیت خاص انجام شود. هر عمل در زمینه‌ی خود تجربه‌ای است که تفسیر خود را براساس تجارب قبلی فرد می‌سازد و این تفسیرها و معناها به طور دائم درک فرد را متحول می‌سازند. (سجادی و رضا نژاد جولایی، ۱۳۸۷، ص ۵۷)

به عقیده هایدگر، مواد و تجهیزات آموزشی ابزاری برای تعلیم و تربیت فراگیر است و اگر چنین منظوری را برآورده نسازند و فراگیران دل مشغولانه با آن‌ها سروکار نداشته باشند، خصلت ابزاری خود را از دست می‌دهند و کارایی لازم را در تعلیم و تربیت نخواهند داشت؛ «ابزاری تربیتی است که هدف آموزشی مورد نظر را از طریق درگیری دل مشغولانه فراگیر فراهم کند» از این رو، از نظر هایدگر ابزار با وظیفه «به منظور» در یک کل ارجاعی تعریف می‌شود. به زعم او، برای انجام یک وظیفه عملی، ابزار باید در متن فعالیت معنی دار قرار

مفاهیم هرمنوتیک مدرن و یادگیری خلاق می‌پردازد برای پاسخ به زیر مجموعه‌های ۱ سوال اصلی تحقیق از روش استنتاجی از نوع قیاس عملی استفاده شد زیرا با توجه روش تدریس، روش یادگیری، روشهای بهبود خلاقیت الگویی را براساس نظریه هرمنوتیک مدرن هایدگر برای یادگیری خلاق طراحی کرد.

## نتایج

**سوال اصلی تحقیق:** ارائه الگوی رابطه بین هرمنوتیک مدرن و یادگیری خلاق

### ۱-۱- روش‌های تدریس در یادگیری خلاق

#### ۱- تدریس مبتنی بر پرسشگری

در این روش تدریس، انتقال مطالب درسی، جریانی یک‌طرفه از سوی معلم به شاگرد است. از آن جا که اقتدار و نفوذ معلم در آموزش از طریق سخنرانی و توضیح مطالب درسی به حداکثر می‌رسد، سؤالاتی از این قبیل تا مل‌پذیر هستند: در تعلیم و تربیت، پرسشگری حقیقی چگونه انجام می‌شود؟ چه برداشتهای نادرستی را به پرسشگری نسبت می‌دهیم؟ آیا در آموزش با استفاده از پرسشگری، معلم اقتدار کمتری نسبت به سایر روش‌ها، مثلا روش سخنرانی، اعمال می‌کند؟ چگونه می‌توان از پرسشگری استفاده کرد، به نحوی که اقتدار کمتری اعمال شود؟ چنان که گادامر می‌گوید، پرسشگری با مفهوم متن مرتبط است: «فهم معنی متن، به معنی فهم آن به عنوان پاسخ به یک سؤال است» (توران، ۱۳۹۷، ص ۳۷۵). در هرمنوتیک فلسفی، تدریس ماهیتی عمل‌گرا و گفت‌وگومحور دارد. تأکید زیاد بر گفت‌وگو در این دیدگاه نشان‌دهنده جایگاه «با دیگران بودن» در فرایند یادگیری است. بدین ترتیب تدریس ماهیتی دو جانبه، دیالکتیکی و سازنده دارد. یک گفت‌وگوی واقعی نوعی تجربه بین‌الذهانی است که به طرفین گفت‌وگو امکان می‌دهد تا با یک دیگر ارتباط برقرار کنند. این تعریف لزوم

گیرد. هایدگر این امر را درگیری می نامد (درايفوس،<sup>۲</sup> ۱۹۹۱، ص ۵۷). از نظر هایدگر یادگیری زمانی صورت می گیرد که موضوع، مورد نیاز و دل مشغولی فراگیر باشد. بنابراین اولین گام در تدریس، مهیا کردن شرایط یادگیری است که با نظر به مکان‌مندی و زمان‌مندی فراگیران به منظور فهم خودینه ای صورت می گیرد؛ و این امر بیانگر تدریس در معنای هایدگری به عنوان اجازه دادن به یادگیری است. معلم از منظر هایدگر هنرمندی است که کار هنری‌ای چون تدریس را ارائه می کند و تعلیم و تربیت در دیدگاه هایدگر باید شرایطی را برای فهم خودینه‌ی فراگیران مهیا کند تا به نظاره‌ی حقیقت هستی بنشینند. این امر می‌تواند با تدوین برنامه‌ی درسی مناسب، فراهم کردن شرایط یادگیری با به کارگیری معلمانی آگاه که خود به نحوی خودینه به هستی گشوده شده‌اند، آماده کردن موضوعات، متون و موادی که به گشودگی اصیل فراگیران کمک کند، انجام گیرد (ابوترابی، ۱۳۹۳).

### ۳- تدریس مبتنی بر دوری بودن

دلالت دیگری که با توجه به تحلیل فرایند پرسشگری در هرمونیک می‌توان برای تعلیم و تربیت استخراج کرد، دوری بودن است. دوری بودن، شیوه‌ای است که در آن، طرح سؤال با چرخشی بین پرسشگر و دیگری آغاز می‌شود. یک سؤال، فرضاً سؤالی که به وسیله معلم پرسیده می‌شود، عملاً بدون شروع یک دور نمی‌تواند پرسیده شود، دوری که در آن، به سؤال عملاً به وسیله سؤال دیگری پاسخ داده می‌شود که از طرف شاگرد طرح می‌شود. طبق تحلیل هرمونیک، پرسشگری شاگرد و معلم را در یک دور قرار می‌دهد، دوری که، در آن هم معلم و هم شاگرد، هر دو، پرسشگر سؤال هستند و شاگرد از منفعل بودن خارج می‌شود (گیلر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶). در چنین موقعیتی، این تنها معلم نیست که سؤال می‌کند و شاگرد به آن جواب می‌دهد، بلکه هر پاسخی از طرف شاگرد، تلاشی است تا سؤال با او سخن بگوید و چنین

پاسخی، خود یک سؤال خواهد بود. بنابراین، سؤال‌ها وقتی در صحنه تربیتی طرح می‌شوند، تک‌سویه نیستند، این سؤال‌ها بین معلم و شاگرد حرکت می‌کنند. چنین حرکت چرخشی بر خلاف فهم‌های متعارف از پرسش و پاسخ است. در چنین موقعیتی نقش شاگرد از منفعل بودن خارج می‌شود.

در دیدگاه هایدگر تعلیم و تربیت صحیح هرگز در زمینه‌ی پاسخگویی به نیازهای دنیای سرمایه‌داری نیست. این تعلیم به طور بارزی با ارزش و مفهومی که ما از یادگیری استخراج می‌کنیم، سر و کار دارد که باید دید بیرونی و اعمال و برداشتمان را از زندگی هم به عنوان افرادی مسؤول و هم به عنوان شریکانی در وضعیت انسانی تحت تأثیر قرار دهد. برای این که به این کیفیت از یادگیری دست یابیم، نیاز به کیفیت درک متفاوتی از روابط معلم-دانش آموز نسبت به آن چه زمینه روش‌های رایج است، می‌باشد. به جای یک رابطه مکانیستی معلم-دانش‌آموز که از آن چون یک اتومبیل برای انتقال دانستی‌ها و مهارت‌های از پیش تعیین شده (که هم معلم و هم دانش‌آموزان می‌توانند متعاقباً در قبال آن مسئول باشند) انتظار داشته باشیم، فضایی باز تولید می‌شود که با کیفیت درگیر شدن یادگیرنده در محدوده‌هایی که وی فعالیت می‌کند، شروع و چون یک فکر باز سربرآورد، نه این که به صورت یک فعالیت ناموزون به انجام رسد. (سجادی و رضا نژاد جولایی، ۱۳۸۷، ص ۵۹-۶۰). ۲۲-2-1- عوامل مؤثر بر

### بهبود روش‌های یادگیری

#### ۱- مهیا کردن شرایط یادگیری

از نظر هایدگر یادگیری زمانی صورت می‌گیرد که موضوع، مورد نیاز و دل‌مشغولی فراگیر باشد. بنابراین اولین گام در تدریس، مهیا کردن شرایط یادگیری است که با نظر به مکان‌مندی و زمان‌مندی فراگیران به منظور فهم خودینه صورت می‌گیرد؛ و این امر بیانگر تدریس در معنای هایدگری به عنوان اجازه دادن به یادگیری است. معلم از منظر هایدگر هنرمندی است که کار هنری‌ای چون تدریس را ارائه می‌کند و تعلیم و تربیت در دیدگاه هایدگر باید شرایطی را برای فهم

<sup>2</sup> Drifos 9  
<sup>3</sup> - Guilar 0

ساختار دوری فهم را از زمانمندی دازاین استنتاج نموده است. هایدگر معتقد است این دور نباید به سطح دور باطل یا دوری که صرفاً مجاز است تنزل داده شود. در این دور امکان مثبت اصلی ترین نوع شناخت نهفته و ما تنها وقتی این امکان را درک می کنیم که دریابیم وظیفه اول و آخر ما در تفسیر این نیست که بگذاریم پیش داشت<sup>۳۱</sup> و پیش دید<sup>۳۲</sup> و پیش درک<sup>۳۳</sup> ما توسط اوهام و مفاهیم عامیانه به ما اعطا شوند، بل وظیفه ما این است که موضوع علمی را با بدست آوردن این پیش ساختارها حفظ نماییم (توران، ۱۳۹۷، ص ۹۹-۱۰۰).

### ۳- اروش های بهبود خلاقیت

#### ۱- انتقال مقصود به دیگران از طریق زبان

از نظر هایدگر، پرسش از حقیقت زبان، مقدم بر پرسش از حقیقت منطق و شرط امکان هرگونه منطق است. بنابراین پرسش از حقیقت زبان، ما را به سرآغاز تفکر متافیزیک می رساند و در این سیر است که انسان می تواند، تجربه ای از حقیقت متافیزیک به دست آورد. جدایی زبان از اندیشه، ابژه شدن زبان و ابزاری شدن ماهیت آن، بنیاد تفکر منطقی متافیزیک را رقم میزند. این مسئله در دوران کنونی نیز استمرار دارد و صور مختلف منطق برآمده از این طرز تلقی از زبان است که مایه ی غفلت از حقیقت زبان و بالتبع، غفلت از حقیقت شعر و هنر شده است. اصل زبان آن است که ما بتوانیم مقصود و منظور خود را به دیگران بیان کنیم. این امر نشان دهنده این نکته است که اصل و اساس زبان، قدرت تخاطب<sup>۳۴</sup> و قدرت بیان گری<sup>۳۵</sup> است (سمندری، ۱۳۹۵، ص ۸۶).

هایدگر به پیروی از ارسطو، فصل ممیز انسانی را در وصف ناطقیت بازمی شناسد؛ چرا که به تعبیر او انسان در زبان زندگی می کند و همچون زبان است. هایدگر به تأکید می گوید که

خودینهی فراگیران مهیا کند تا به نظاره حقیقت هستی بنشینند. این امر می تواند با تدوین برنامهی درسی مناسب، فراهم کردن شرایط یادگیری با بکارگیری معلمانی آگاه که خود به نحوی خودینه به هستی گشوده شده اند، آماده کردن موضوعات، متون و موادی که به گشودگی اصیل فراگیران کمک کند، انجام گیرد (ابوترابی، ۱۳۹۳).

#### ۲- درگیر شدن عملی در دنیای واقعی

از نظر هایدگر وجود انسان متضمن درگیری در جهان است و تعبیر در - جهان بودن تعبیری - است که بر حضور انسان دلالت مینماید. در جهان بودن مشخصه حضور خاص آدمی است و این مشخصه رابطه وجود آدمی را با هستومندهای دیگر نشان می دهد زیرا این هستومندها برای او حاضرند لذا خود نیز حاضر است و در این معنی شرط جهان داشتن عبارت از حضور به معنی کامل آن که شامل حضور یک هستومند برای خود و حضور سایر هستومندها برای او می شود از نظرهایدگر نیز هستومندهایی که برای دازاین حضور دارند نه برای خود و نه برای هستومندهای دیگر حضور ندارند. هایدگر بر این اساس دو وجه هستی برای هستومندهای غیر دازاین قائل می شود: هستی توی دستی و هستی فرادستی. چنان چه هستومند چون ابزاری در دست دازاین باشد، هستی آن توی دستی و الا فرادستی است (خاتمی، ۱۳۹۵، ص ۶۰-۵۵).

#### ۳- پرورش فهم و بصیرت علمی و عملی

فهم در مقام هستی توانشی گشاینده و اساس پدیدارین برای مشاهده امکان فراهم می کند و سازنده چیزی است که آن را بینش دازاین گوئیم (هایدگر، ۱۹۹۰، ص ۹۵). از نظر هایدگر بصیرت عملی شکلی از تجربه در معنای وسیع کلمه می باشد، راهی است که به کشف هستومندها می انجامد و تجربه "رویداد از آن خود کننده" است که من در عمل آن را میفهمم و برای من روی می دهد (احمدی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۱۷۰) هایدگر با التفات به شبکه معنایی یا تاویلی مقدم بر فهم و دخیل در آن، آن را پیش ساختار فهم نامیده است و

|                      |   |
|----------------------|---|
| 3 - Fore-having      | 1 |
| 3 -Fore-sight        | 2 |
| 3 - Fore-conception  | 3 |
| 3 - addressing power | 4 |
| 3 - expressive power | 5 |



شده است. انسان بما هو انسان دارای خصوصیت گشودگی است. افتتاح بر da یعنی آن جایی که هستی بما هو هستی خود را نشان می دهد (هایدگر، ۱۳۸۶، ص ۴۳۷)؛ آن جایی که تنها به اشاره می آید. تنها انسان است که به آن جا گشوده است. به همین دلیل است که وجود انسان استعلا می یابد. استعلا همواره همزاد اوست. این موقعیت برای انسان نسبت به هستی از او زایل نمی شود. حتی مستوری و غیاب انسان از وجود، این نسبت را زایل نمی کند؛ هرچند که با غفلت او این نسبت پنهان می ماند. انسان منزلگه هستی است. دازاین، اگرستانس یا قیام ظهوری یا روبه بیرون ایستادگی یا قائم بودن به برون خویشی است. این بیرون ایستادگی و قیام ظهوری گشایش به سوی وجود است (همان، ص ۴۴۳)

#### ۴- گفتگو

هایدگر سومین مقوم وجودی دازاین را گفتار مینامد. در گفتار و زبان، فهم و حال، پیشاپیش خود را آشکار کرده اند (هایدگر، ۱۳۸۶، ص ۳۹۴). بنابراین، هایدگر مسئله ی زبان و گفتار را با آشکار کردن اشیا پیوند می دهد. در زبان و گفتار، پیشاپیش، فهم در عالم بودن آشکار گشته است و این امر بدین معناست که عقل ورای زبان قرار ندارد، بلکه عقل، از ابتدا، خود را در زبان آشکار کرده است. باری، عقل بدون زبان هرگز وجود نداشته است. ما به واسطه ی زبان اجازه می دهیم که خود، دیگران، اشیا و وجود، خود را آشکار کنند. «همین که زبان نخستین بار موجودی را می نامد، این نامیدن، آن موجود را به بیان و ظهور می آورد» (هایدگر، ۱۳۷۹، ص ۵۴). به همین دلیل است که گفت و گو<sup>۳</sup> اصل و اساس زبان است. آشکار کردن فهم در عالم بودن و آشکار کردن اشیا در فراشد سخن گفتن، صرفا در گفت و گو متحقق می شود. البته گفت و گو صورتهای مختلفی دارد مانند گفت و گوی دو دوست با هم، گفت و گوی دو دشمن با هم، گفت و گوی یک فرهنگ با فرهنگ دیگر، گفت و گوی یک فرد با فرهنگ و گفت و گوی فرد با متون گذشته (هایدگر ۱۹۶۸، ص ۵۱-۴۱).

هستی ما زبان گونه است و ما فقط در زبان زندگی می کنیم. هرگز نمی توانیم جایگاهی فراتر از زبان بیابیم و از آن جا به زبان بنگریم یا بیندیشیم یا تلاش کنیم که تعریفش کنیم. حضور ما در این جهان به زبان وابسته است. (احمدی، ۱۳۹۷، ص ۵۵۶) هایدگر به خوبی به عبارت مشهور سقراط نظر دارد که گفت: کلام بی فکر و فکر بی کلام ممکن نیست. در تعلیمات او این ظرافت را می توان دریافت که حقیقت برخلاف آرای کلاسیک که مطابقت مفهوم با واقع است، مندرج در وجود است و در زبان است که حقیقت و وجود متجلی می شود. با تأمل در زبان است که ما به شناسایی حقیقت نایل می شویم. (هایدگر، ۱۳۸۰، ص ۸۲).

#### ۲- تفکر

هایدگر موضوع تفکر را وجود و موضوع فلسفه را موجود می داند. در این میان آن چه اصل است، موضوع تفکر است و فلسفه بازتابی از نحوه تفکر ماست. اساس فلسفه، تفکر است و بدون تفکر، شناخت فلسفه امکان ندارد. شناخت انسان، علم، تکنیک و فلسفه بدون تفکر درباره وجود و ظهور آن ممکن نیست (هایدگر، ۱۳۸۰، ص ۳۴). تفکر هایدگر نه تنها با «حفظ وضع موجود» سازگاری ندارد، بلکه «اساس» آن را نفی می کند. در تفکر هایدگر زمینه های فلسفی برای «نسخ» حوالات تاریخی متافیزیک فراهم آمده و بی جهت نیست که نویسنده ای مانند پوپر منتقدان تمدن غرب را دشمن عقل و جامعه باز می نامد. او تمام کسانی را که درباره تاریخ و سنت ها حاکم بر تاریخ سخن گفته اند به نام «تاریخ انگار»<sup>۳</sup> می کوید و کنار می گذارد. هایدگر می گوید: «تفکر، تازه وقتی شروع می شود که به تحقیق آزموده باشیم عقلی که در طی قرنها ستوه آمده، خود سرسخت ترین دشمن<sup>۳</sup> تفکر است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲)

#### ۳- استعلا

از این نظر هایدگر در میان موجودات موقعیت ممتازی دارد که در ذات او توجه به وجود نهفته است؛ اما دازاین به معنای انسان نیست، بلکه به طور کلی نحوه خاصی از هستی است که به انسان مختص

<sup>3</sup> - HISTORICIST

6

<sup>3</sup> - ANTAGONIST

7

می‌شود شعر آن چه را که مفتوح است ممکن می‌سازد و در عین حال زبان را ممکن می‌کند. ماهیت زبان را باید از طریق ماهیت شعر فهمید. به همین جهت است که هایدگر شعر را زبان اصلی یعنی آن چه در ریشه بن زبان است می‌نامد. البته شعر در اینجا به مثابه انکشاف نامستوری مورد نظر است نه فن شاعری.

یکی دیگر از ویژگیهای سخن گفتن و گفت و گو آن است که سخن گفتن الزاماً به معنای ایراد سخن از جانب یک سخن گو نیست. شنیدن و سکوت نیز خود متعلق به حقیقت زبان هستند. از آن جا که دازین به واسطه ی زبان اجازه می دهد موجودات خود را آشکار کنند، شنیدن و سکوت نیز به این معناست که دازین اجازه دهد که موجودات خود را در زبان آشکار کنند. «شنیدن مقوم گفتار است». (هایدگر، ۱۳۸۶، ص ۳۹۸) البته سکوت در این مقام، سکوتی برای آشکار شدن و به زبان آمدن خود موجودات است. هنگامی که ما با سکوت خود معنایی را آشکار می کنیم یا با سکوت خود اجازه می دهیم که دیگران سخن بگویند، زبان خود را در این عمل ما آشکار می کند. همچنین بسته به نحوه آشکار شدن موجودات، تعبیر ما نیز دربارهی آن ها متفاوت خواهد بود. بنابراین، تقسیم رایج در متافیزیک، بین گزاره‌های خبری و انشایی برآمده از رویکرد متافیزیکی در باب زبان است. تعبیر خبری، تعبیر انشایی، شنیدن و سکوت از لوازم حقیقت زبان هستند. حقیقت زبان اسم گذاری و نامیدن است و نامگذاری و تعبیر، اعم از این تقسیم بندی هاست.

### جدول ۱- الگوی یادگیری خلاق بر اساس هرمونیک مدرن

| روش های تدریس       | عوامل مؤثر بر بهبود روش | روش های بهبود          |
|---------------------|-------------------------|------------------------|
| خلاق                | های یادگیری خلاق        | خلاقیت                 |
| تدریس مبتنی بر      | مهیا کردن               | انتقال مقصود به دیگران |
| پرسشگری             | یادگیری                 | از طریق زبان           |
| تدریس مبتنی بر      | درگیر شدن عملی در تفکر  |                        |
| یادگیری دل مشغولانه | دنیای واقعی             |                        |
| در فراگیر           |                         |                        |
| تدریس مبتنی بر      | پرورش فهم و بصیرت       | استعلا                 |
| دوری بودن           | علمی و عملی             |                        |
|                     |                         | شعر                    |
|                     |                         | گفتگو                  |

### بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف طراحی الگوی یادگیری خلاق بر مبنای هرمونیک مدرن با تاکید بر آرای مارتین هایدگر انجام گرفت و نتایج نشان داد که مهم ترین دستاورد دیدگاه هرمونیک در حوزه تعلیم و تربیت آن است که رفتار آدمی را همچون متن در نظر می گیرد. بر این اساس نظر بر آن است، همان اصولی را که در فهم متن باید به کار گرفت، در حوزه فهم رفتار آدمی نیز باید به کار بست. همچنین جهت طراحی و ترسیم الگوی نسبت بین هرمونیک مدرن و یادگیری خلاق لازم است؛ روش های بهبود تدریس، بهبود یادگیری و بهبود خلاقیت را استنتاج نمود. در این تحقیق روش های برای بهبود روش های تدریس؛ تدریس مبتنی بر پرسشگری، تدریس مبتنی بر دوری بودن (چرخشی بودن) و تدریس مبتنی بر یادگیری دل مشغولانه در فراگیر استنتاج گردید. هرمونیک توجه ما را به این نکته جلب می کند که آموزش از طریق پرسشگری در تعلیم و تربیت می تواند به بهترین نحو انجام شود. در این روش همیشه باید در انتظار پاسخهای غیر متظره بود. در پرسشگری بر خلاف تصور غالب در تعلیم و تربیت کنونی بود که معلم به عنوان

**۵- شعر:** «شعر» از نگاه هایدگر جایگاه خاصی میان سایر هنرها دارد. او برای تبیین جایگاه شعر، آن را نوعی تفکر می داند که مقابل تفکر دوران مدرن و بحران ناشی از تکنولوژی، طریق راهی انسان است. او تکنولوژی را نقد می کند و شعر را در مقابل به عنوان نوعی تفکر، به انسان بحران زده جدید پیشنهاد می کند (بونت، ۲۰۰۴، ص ۴۲). هایدگر می گوید: شعر توسط واژه و در آن بنا نهاده می شود. آنجا بنا می شود فضای باز است. در این فضای باز آن چه هست حفظ می شود و آشکار می گردد. وجود باید آشکار شود تا موجودات ظاهر شوند وجود همان فتوح و باز بودن فضای مفتوح (باز) است انسان به وجود نیازمند است و وجود به انسان مشتاق (خاتمی، ۱۳۹۵، ص ۳۰۹). شاعر با واژگان آن چه را که هست می نامد و به همین معنا شعر بنیان گذاری هستی است توسط واژه. سخن شاعر بنیانگذار است، با سخن شاعر هستی انسان بنا نهاده

فکری مثل شطرنج زمینه‌ای را برای تجربیاتی در یادگیرنده ایجاد کرد که به فهم هرمونوتیکی منجر شود. بنا بر این هر مونوتیک می‌تواند بستری برای تعلیم و تربیت پویا، خلاق و سازنده باشد.

با توجه به محوریت تفکر و فهم در بحث هرمونوتیک و اهمیت ذهنیت خواننده یا همان هرمونوتیک فلسفی هایدگر و ارتباط آن با مقوله خلاقیت به مسولان و برنامه ریزان درسی پیشنهاد می‌شود: با فراهم کردن زمینه‌های لازم روش اندیشیدن را به یادگیرنده بیاموزیم. کلاسهای جهت آموزش تفکر و اندیشیدن طراحی شود به این منظور معلمانی برای آموزش تفکر تربیت شوند.

از روشهای بهبود خلاقیت (زبان، تفکر، استعلا، گفتگو و شعردرپیش دبستانی، مدارس و دانشگاهها استفاده شود. لذا برای رسیدن به هدف مذکور فضاهایی باز و چالش برانگیز درپیش دبستانی مدارس و دانشگاهها ایجاد شود. روحیه انتقادگری و انتقاد پذیری در دانش آموزان ایجاد شود.

از روشهای تدریس مبتنی بر پرسشگری مثل روش بارش مغزی، روش اکتشافی..... استفاده شود.

با توجه به اینکه شناسایی حقیقت به زبان وابسته است آموزش زبانهای خارجی (انگلیسی، آلمانی،...) از مهد کودک ها به طور رسمی آغاز شود تا دانش آموز شناخت عمیقتری از جهان پیدا کند.

روشهای ارزشیابی از یادگیرندگان تغییر کند و از سوالات واگرا (یک سوال که جوابهای متعدد داشته باشد) به جای سوالات همگرا (یک سوال که یک جواب مشخص دارد) استفاده شود. بر اساس الگوی ترسیم شده، هر یک از محورها (بهبود روش های تدریس - بهبود روش های یادگیری - بهبود روش های خلاقیت) به صورت جد گانه و تخصصی توسط محققان بعدی بررسی گردد.

با توجه به اهمیت پرورش خلاقیت در افراد، ارتباط بین هرمونوتیک با خلاقیت از آرای فلاسفه هرمونوتیک مدرن بررسی و تحلیل گردد.

این پژوهش برگرفته از پایان نامه دکتری لیلا احمدزاده دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران است. نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از همکاری و مساعدت همه عزیزانی که در این پژوهش ما را یاری نموده اند سپاسگزاری نمایند.

ایجادکننده شرایط و تسهیل کننده یادگیری دانش آموزان می‌تواند از طریق نوگرایی، انعطاف پذیری، عدم تحمیل دانش آموزان به حفظ و انباشت ذهنی، شوخ طبعی، پرهیز از راهبردها و روش های قالبی آموزش، زمینه سازی برای ابراز وجود شاگردان و افزایش اعتماد به نفس در آنان، تحریک حس کنجکاوی فراگیران و بالاخره توأم ساختن آموزش با پژوهش به آموزش خلاق و پرورش خلاقیت در کودکان و نوجوانان پردازد. بنابراین، با ترتیب و تدارک مناسبی از ساختارهای فیزیکی کلاس، آموزش و یادگیری و ساختارشناختی و فکری، عاطفی و اجتماعی دانش آموزان، می‌توان موجبات رشد و پرورش خلاقیت و آفرینندگی شاگردان را فراهم ساخت. برای دستیابی به چنین هدفی، از سویی باید به آزاداندیشی، سعه صدر، تفکر انتقادی و تشویق پرسش ها و ارائه راه حل های غیر معمول، یادگیری اکتشافی، تحرک و پویایی، حساسیت به محرک های محیطی و... ارزش داده شود و از سوی دیگر، از اصرار بر همنوایی، رفتارهای سلطه جویانه، تمسخر، اهمیت بیش از حد بر ارزشیابی و موفقیت در آن و تشویق همگرایی پرهیز شود.

برای بهبود روش های یادگیری عواملی همچون؛ مهیا کردن شرایط یادگیری، درگیر شدن عملی در دنیای واقعی، پرورش فهم و بصیرت علمی و عملی بررسی و استنتاج شد. مجموع این روشها نسبت بین هرمونوتیک مدرن و یادگیری خلاق را شکل داده اند که ترسیم کننده نسبت بین آن ها نیز می باشد. همچنین؛ انتقال مقصود به دیگران از طریق زبان، تفکر، استعلا، گفتگو و شعر از عوامل مؤثر در بهبود روش های خلاقیت شناخته شده است که در یادگیری خلاق مؤثر بوده اند.

اگر بخواهیم یادگیرنده در آموزش و پرورش محور و مرکز تمام تصمیمات و اقدامات باشد باید به تمام ویژگی های او از جمله فرایندهای شناختی اش در سنین مختلف رشد، علایق و میزان انگیزش او، بلوغ عاطفی، سوابق فردی و اجتماعی و خانوادگی و تجارب گذشته اش شناخته شود. طبق پژوهش حاضر برای انتخاب روش تدریس، روش یادگیری، روش بهبود خلاقیت باید تمامی عوامل فوق را در نظر گرفت. چرا که پرورش خلاقیت بدون در نظر گرفتن انسان در جامعه با تمام ویژگیهایش محال است. پیش داوریهایی ما که بر اساس پیش زمینه ذهنی ماست می‌تواند نقطه شروع خلاقیت باشد پس یادگیرندگان شروع های متفاوتی در زمینه خلاقیت خواهند داشت. می‌توان از طریق بازیهای

## منابع

- ابوترابی، ر.س. (۱۳۹۳). نیم‌رخ کلاس درس از دیدگاه هایدگر با تأکید بر انگیزستانسیال‌های دازاین: بررسی و نقد، رساله دکتری، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- احمدی، ب.س. (۱۳۹۷). ساختار و تاویل متن، شالوده شکنی و هرمنوتیک، ج ۲، تهران، نشر مرکز.
- آخوندی، ز. افهمی، ر.س. (۱۳۹۷). الگوی کاربردی پرورش خلاقیت کودکان از طریق موسیقی توسط معلمان غیرمتخصص در مدارس ابتدایی (با اتکا به تجارب آموزشی و نوآوری‌های موسیقایی جان کیچ)، فصلنامه علمی، پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره هفتم، ش. ۴، ۳۳-۷۰.
- باقری نژاد، م.س. (۱۳۸۹). تبیین دیدگاه انسان‌شناسی هایدگر و دلالت‌های تربیتی آن در نظام آموزش باز از دور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان همدان.
- باقری، خ؛ سجادی، ن، توسلی، ط.س. (۱۳۸۵). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- باقری، خ.س. (1389). دیدگاه‌های جدید در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات نقش هستی.
- بحرینی، و.س. (۱۳۹۳). بررسی نقادی‌های فلسفی هایدگر بر تکنولوژی و کاربردهای آن در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ساری، دانشگاه مازندران.
- بهزاد، ح.س. (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل روزمرگی در هستی و زمان هایدگر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز، دانشگاه تبریز.
- بیدهندی، م.س. (۱۳۹۵). هرمنوتیک و تاویل از نگاه علامه طباطبایی و مارتین هایدگر، مجله اندیشه نوین تربیتی، ش ۲، ۴۵-۹۳.
- توران، ا.س. (۱۳۹۷). تاریخ‌مندی فهم در هرمنوتیک گادامر: جستاری در حقیقت و روش، تهران، انتشارات بصیرت
- تورنس، (۱۳۹۶). استعدادها و مهارت‌های خلاقیت. مترجم حسن قاسم زاده. تهران: انتشارات دنیای نو.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۲). فلسفه و بحران غرب، ترجمه: رضا داوری اردکانی و دیگران، تهران: هرمس.
- حسینی، ا. محمودی، س. (۱۳۹۵). بررسی هرمنوتیک به مثابه بستری برای پژوهش‌های تربیتی. مجله اندیشه نوین دینی. دوره ۱۲. ش. ۱. ۲، ۱۱۱-۲۳۶.
- خاتمی، م. (۱۳۹۵). جهان در اندیشه هایدگر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- خورشیدی، م.س. (۱۳۹۰). «مقایسه اندیشه‌های فلسفی افلاطون و فارابی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۴۷، ش. ۷۴، ۱۹۱-۵۵.
- سجادی، س، رضا نژاد جولایی، ن.س. (۱۳۸۷). «دیدگاه هرمنوتیکی هایدگر و تعلیم و تربیت»، مجله روانشناسی و علوم تربیتی (دانشگاه تهران)، ش. ۷۸، ۴۵ تا ۶۶.
- سمندری پتکانی، ع.س. (۱۳۹۵). هرمنوتیک در اندیشه هایدگر و گادامر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، دانشکده علوم انسانی، رشته فلسفه غرب.
- عظیم پور، ر، عیسوی، م، عظیم پور، ا.س. (۱۳۹۵). اثربخشی راهبرد یاددهی- یادگیری نقشه مفهومی در تدریس علوم بر خلاقیت دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی، فصلنامه علمی، پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره ششم، شماره ۴(۱)، ۲۶-۱.

- کریمی، ع. س. (۱۳۹۳). «آموزش مانع خلاقیت!»، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، شماره ۱۰.
- مهدی زاده، ا. عراقیه، ع. حیدریه، ح. س. (۱۳۹۷). تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر پرورش خلاقیت دانش آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی ناحیه یک آموزش و پرورش بهارستان، فصلنامه علمی، پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۸(۳)، ۲۲۴-۲۰۱.
- مهدیزاده بیگدلی، ز. میرزامحمدی، م. س. (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل دیدگاه انسان شناختی هایدگر درباره فناوری و دلالت های آن در تربیت. دو فصلنامه پژوهش های آموزش و یادگیری، ۲۲(۶).
- هایدگر، م. س. (۱۳۸۶). وارستگی، گفتاری در تفکر معنوی، ترجمه محمد رضا جوزی، مندرج در کتاب فلسفه و بحران غرب، انتشارات هرمس، هایدگر، م. س. (۱۳۸۹). وارستگی، گفتاری در تفکر معنوی، ترجمه محمد رضا جوزی، تهران، انتشارات هرمس.
- هایدگر، م. س. (۱۳۸۵). متافیزیک چیست؟ ترجمه سیاوش جمادی، تهران: ققنوس.
- هایدگر، م. س. (۱۳۸۸). هستی و زمان، ترجمه سیاوش جمادی، تهران: ققنوس.
- هایدگر، م. س. (۱۳۷۹). سرآغاز اثر هنری، ترجمه ی پرویز ضیاء شهابی، تهران: هرمس.
- هایدگر، م. س. (۱۳۸۸). چه باشد آن چه خوانندش تفکر؟، (ترجمه ی جمادی. سیاوش). تهران: ققنوس
- هایدگر، م. س. (۱۳۸۰). درآمد وجود و زمان، ترجمه منوچهر اسدی، آبادان، پرشش.
- هایدگر، م. س. (۱۳۸۵). معنای تفکر چیست، ترجمه فرهاد سلیمانان، تهران، نشر مرکز.

- Debuno, William F., Slattery, Patrick, Taubman, Peter M. , & Reynolds, William M. (2016). *Understanding Curriculum*. New York: Peter Lang Publishing
- Henriksen et al, R. (2016). Towards a Heideggerian pedagogy. *Annual Philosophy of Education Society of Australasia Conference, Melbourne, 33, 28-28.*
- Chabrak L., Moules, Craig, J. (2017). Hermeneutic Musings on Learning: The Dialogical Nature of Teaching Interpretively. *Journal of Educational Thought, 41(2), 179-189.*
- Chen, William F. and Mcknight, Douglas. (۲۰۱۶). The Uses of Curriculum Knowledge: Notes on Hermeneutics. *International Journal of Educational Research. 23(2), 181-190.*
- . Chambers, L Sharon, G Hardy. Y. James. F (2018), "The Yijing and Onto-Generative Hermeneutics: The Theory and Practice of Cheng Chung-ying's Philosophy," *Journal of Chinese Philosophy 42, nos. 1-2 (2015): 163-75.*
- S. Pardo (2017), "Heidegger's Black Notebooks: National Socialism, Antisemitism, and the History of Being," in *The Bloomsbury Companion to Heidegger, expanded paperback ed., ed. Francois Raffoul and Eric S. Nelson (London: Bloomsbury, 2016), 484-93.*
- . Oscar. R. Diamante (۲۰۱۸). The hermeneutics of information in the context of information technology, *publish kritike volume eight number one (june 2014) p168-189.*
- . Packer, m. j. & Scott. B . (۲۰۱۶). The hermeneutics of peer relations, *childrens Development within social Context. V, esearch and methodology, vot.2.*
- Bleicher, Joseph; (۲۰۱۷). *Contemporary Hermeneutics*, routledge and kegan paul, London.
- Frankena, W, *Toward a Philosophy of Philosophy of Education, In what is Philosophy of Education ? U.S.A: Macmillan, 1956*
- Peters, M. B (۲۰۰۲). *Learning To solve insight problems. Bullein of The psychonomic SocieTy, 17. 171-174*
- Bronson and Maryaman, peter cuttance, (۲۰۱۰). "school effectiveness research, policy and practice, cassell, 3991, p.16.

Gunzels, K. C., and Jackson, M. (۲۰۱۸). Exploratory Examination of Relationships between Learning Styles and Creative Thinking in Math Students. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 3(8), 506.

Goodon, R. D. (۲۰۰۴). Creative thinking and learning styles in undergraduate agriculture students. *Journal of Agricultural Education*, 47(4), 102.

Bonnent.N.K (۲۰۰۱) creativity, intelligence and scholastic achievmenh. *Indian Educational Review*.

Drifos, A.(۱۹۹۱). *Creativity Across the Primary Curriclum Framing and Practice*؛ 11 new fetter lane , London : Developing Ec4p4EE.

Special J & Carpenter, B. (۲۰۱۷). An empirical verification of the community of inquiry framework. *Journal of Asynchronous Learning Networks*, 11(1), 73-85.

Skiarone.R. Diamante(2018).The hermeneutics of information in the context of information technology,publish kritike volume eight number one (june 2014) p168-189.

Bengt Kristensson Uggla,;(2017).*Contemporary Hermeneutics*,routledge and kegan paul,London.

*Original Article***Design a creative learning model based on modern hermeneutics with an emphasis on Martin Heidegger's views**

Received: 21/06/2020 - Accepted: 25/07/2020

Leila Ahmadzadeh <sup>1</sup>  
 Afzalolsadat Hoseini Dehshiri <sup>2\*</sup>  
 Iman Mohseni naeini <sup>3</sup>

<sup>1</sup> PhD student in Philosophy of Education,  
 Unit of Science and Research, Islamic Azad  
 University, Tehran, Iran

<sup>2</sup> Associate Professor, Faculty of  
 Psychology and Educational Sciences,  
 University of Tehran, Iran (Corresponding  
 Author)

<sup>3</sup> Associate Professor, Department of  
 Educational Sciences, Tarbiat Modares  
 University, Tehran, Iran

Email: Afhoseini@ut.ac.ir

**Abstract**

**Introduction:** With the expansion of specialized disciplines in the world's academic centers, hermeneutics went beyond the interpretation of religious texts and entered the field of various sciences such as education and led to the emergence of new ways of learning; Creativity-based teaching and learning is one of the fundamental axes of educational systems, which is inferred from Heidegger's hermeneutic views.

**Objective:** This paper seeks to design a creative learning model based on modern hermeneutics with an emphasis on Martin Heidegger's views.

**Methods:** his research is a qualitative research and its method is a conceptual analysis. To design a creative learning model with emphasis on modern Heidegger hermeneutics, the method of "inference from the type of practical analogy" has been used.

**Results:** Creative Learning Objectives: Creating an interest in education in the learner, preparing educational programs, creating scientific interests in the learner, and creating mutual understanding between the instructor and the teacher, according to which the creative learning process is such that One issue was agreed upon and criticized for creating a quality of understanding in the learner.

**Conclusions:** Education through questioning in education can be done in the best possible way. In order to encourage and encourage students to have creative thinking, it is necessary to avoid allegorizing what is necessary to freeze or shape their thinking.

**Key words:** Modern hermeneutics, creative learning, pattern, Heidegger